

بسمه تعالی

پدیدارشناسی مسجد در شهر اسلامی

حسین خسروی

چکیده

نگاهی به تاریخ ادیان نشان می‌دهد که تعدادی از فرقه‌های بودایی و مسیحی معبدها و صومعه‌های خود را در دل کوه‌ها و مکان‌های دور از دسترس جامعه بنا می‌کنند؛ اما در دین اسلام، مسجد در قلب اجتماع بنا می‌شود. شهرسازی اسلامی با محوریت مسجد جامع است و مسجد به‌عنوان قلب تپنده‌ی جامعه هر روز، پنج نوبت مسلمانان را در خود جای می‌دهد و ایمان آنان را تازه‌تر می‌کند. در شهرهای اسلامی، سه نوع مسجد ساخته می‌شده است: مسجد جامع، مسجد محله و مسجد بازار. اساساً الگوی شهرسازی اسلامی تابع مسجد جامع است. بازارها به مسجد جامع متصل و طرز ساخت بازارها تقریباً مشابه شبستان مسجد است. مردم از مسجد وارد بازار می‌شوند. از دیگر فضاهای همجوار با مسجد مدرسه‌های علوم دینی هستند. می‌توان گفت که در گذشته‌ای نه چندان دور، هویت شهرسازی اسلامی به‌گونه‌ای از مسجد نشأت می‌گرفت.

مقدمه

«شهر دینی را شهرسازان و معمارانی می‌توانند بسازند که به عالم‌دینی تعلق داشته باشند و با آن‌جا آشنا باشند. شهر دینی با گشایش عالم دینی ساخته می‌شود و به عبارت دیگر در هوا و فضای عالم دینی است که شهر دینی در انداخته می‌شود»^۱.

«دکتر فوریه» فرانسوی که در زمان ناصرالدین شاه، به‌عنوان طبیب مخصوص شاه، وارد ایران شده بود، در سفرنامه‌ی خود نوشت: «امروز پس از عبور از کاروانسرای کوشک نصرت، ابتدا فوری به سمت مغرب راندم، بعد متوجه جنوب شدیم و دریاچه‌ی ساوه در این حالت، طرف چپ ما قرار داشت، افسوس که در این نواحی قطره‌ای آب وجود ندارد و اگر هم تصادفاً چیزی از آن به‌دست‌آید شور و تلخ است. بعد از چهار ساعت حرکت، وقتی با کالسکه به منظره رسیدیم، از پنج فرسنگی گنبد طلایی مسجد حرم حضرت معصومه (علیها‌السلام) در آفتاب می‌درخشد»^۲.

جایگاه مسجد در شهرسازی اسلامی

اسلام و شهرسازی

با ورود اسلام به ایران، شهرسازی و شهرنشینی وارد مرحله‌ای تازه شد. در این دوره، شیوه‌ی زندگی شهری پیشین تغییر یافت. پس از ورود اسلام به ایران، قوانین اسلامی وارد زندگی شهرنشینان شد. این قوانین در روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع تأثیری بسزا داشت؛ چنان‌که تا قرن‌ها، بیشتر فعالیت‌های شهرهای اسلامی برمدار یک مسجد با موقعیتی مرکزی انجام می‌گرفت و مسجدها، به‌ویژه مسجد جامع، به شهرهای اسلامی چهره‌ای کاملاً مشخص می‌بخشید. این نقش کانونی (مسجد جامع و بازار با محله‌هایش) همواره منشأ تحرک‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام بوده است. مورفولوژی شهرهای اسلامی همواره از اصول و قوانین اسلامی تأثیر پذیرفته است. شکل‌یابی شهرهای اسلامی، بعد از سال ۶۲ میلادی که آیین حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه مطرح شد، شروع می‌شود. قوانین اسلامی، هم در چارچوب طرح‌های شهری، مسکونی و ساختمانی است و هم با جانشین ساختن برادری اسلامی، در مورفولوژی شهری توازن ایجاد می‌کند.

^۱. داوری اردکانی، رضا، ملاحظاتی در باب طرح مدینه فصلنامه‌ی آبادی، سال ششم، شماره‌ی ۲۲، پائیز ۱۳۷۵: ص ۶.

^۲. صاحبی، محمد جواد، قم از نگاه بیگانگان، مجله‌ی پزشکی کوثر، شماره‌ی ۴ و ۵: ص ۱۴.

ایدئولوژی اسلامی، هرگز سیستم کاست، طبقه‌گرایی، نژادگرایی و قوم‌گرایی را نپذیرفته است. در جامعه‌ی اسلامی، بروز مکتب‌های فکری در مدرسه‌های نظامیه یا مسجدها (که بیشتر در مجاورت بازار فعالیت فلسفی علمی داشتند) به نحوی فرهنگ شهری را تحت تأثیر قرار داده است. این مکتب‌های مذهبی - فلسفی با نفوذ در فرهنگ شهری، احساسات و تعصبات به قوم و قبیله را بسیار تعدیل کرده‌اند. در مساجد که محل عبادت مسلمانان محسوب می‌شود، همه‌ی مردم برابرند و هیچ نوع امتیازی از لحاظ طبقه، رنگ پوست و قوم دیده نمی‌شود.

بعد از مسلمان شدن ساکنان نواحی مختلف جغرافیایی، بر اثر ایدئولوژی اسلامی، جای‌گزینی کاملاً مشخصی، بین زندگی عمومی و خصوصی مردم به وجود آمد؛ یعنی زندگی خصوصی خانواده‌ها به حریم استوارخانه یا مکان‌های محصور کشیده شد و از خیابان و کوچه (محل زندگی عمومی) جدا شد. از طرفی مناطق مسکونی شهرها به سوی مسجد و مدرسه متمایل گشت و مکتب‌های فکری و فلسفی هر یک هوادارانی پیدا کردند و غالباً در محله‌ی ویژه‌ای ساکن شدند. گاهی هم قبیله‌ها و گروه‌های قومی ساکن در شهرها، هر یک از یک مکتب فکری اسلامی تبعیت می‌کردند. این گروه‌های قومی شامل دانشمندان مکتب‌های اسلامی، فلسفه و قانون می‌شود. امام جماعت، معلم، قاضی، مشاور و کارگزاران مسجد گروه‌های مختلف دانشمندان را تشکیل می‌دادند. تنظیم آیین نامه‌ها و اصول رایج در بازار از تصمیمات آن‌ها منشأ می‌گرفت.^۳

تاریخچه‌ی گلدسته‌ها

به‌طور کلی در اوایل گسترش اسلام، سه جای مهم وجود داشت؛ یعنی محل حاکمان، مسجد جامع یا مناره‌ها و مأذنه‌ها. می‌دانیم که بلال در زمان پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر بلندترین بام‌های منازل اذان می‌گفت. این فکر که مؤذن در محل مرتفعی اذان بگوید مسلمانان را بر آن داشت تا برای او، جایگاه مخصوصی بسازند. دوران ظهور مأذنه در شهرسازی اسلامی به عصر اموی بر می‌گردد که در آغاز، شکل ساده‌ای داشت و بعد از مدتی اطراف آن، برج و دیوار و نرده‌ای کشیدند و بر روی آن سایه‌بانی قرار دادند. کم‌کم این فکر پیدا شد که هنگام مغرب، چراغی در مأذنه‌ها روشن کنند تا هم علامت فرا رسیدن وقت نماز باشد و هم مردم بدانند مسجد در چه نقطه‌ای از شهر قرار گرفته است.^۴

^۳ . شکوئی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۸.

^۴ . شکوئی، حسین، همان: ص ۱۸۹ - ۱۹۰.

در باره‌ی علت انتخاب شکل مناره، آرا و عقاید گوناگونی بیان شده است:

الف) مآذنه‌هایی که در شهرهای ایران و هند دیده می‌شود به شکل برج‌هایی است که برای دیده‌بانی یا نگهبانی شهرها می‌ساختند.

ب) عده‌ای معتقدند بناهای مذهبی عربی از بناهای مذهبی ایرانیان تأثیر پذیرفته است. از طرفی گلدسته‌های قرینه، تزیینات و کاشی‌کاری نیز از مختصات مناره‌های شهرسازی ایرانی است.

ج) مآذنه‌های اسلامی به سایه‌بان‌ها و بادگیرهایی شباهت دارد که روی بام‌های منازل ساخته می‌شد.^۵ استقرار مسجد در بافت جامعه، به تغییر شکل کالبدی آن‌ها منجر شد. به تدریج، سازمان‌های دینی جدید در شالوده‌ی زندگی جامعه نفوذ کرد. مسلمانان وظایف مذهبی خود را به‌جا می‌آوردند و روابط اجتماعی خویش را براساس قوانین اسلامی تنظیم و اجرا می‌کردند. بنابراین، مسجد جای خود را در اجزای نظام اجتماعی باز کرد. همبستگی مذهبی، شکلی تازه به روابط موجود میان افراد ساکن در محلات داد. این همبستگی بین شهر و روستا نیز روابطی نو برقرار کرد. در این دوره، مفهوم منطقه‌ی شهری متجلی شد، که عبارت بود از روابط متقابل بین شهر و روستا براساس مبادله‌ی مازاد تولید، کالاهای صنعتی، مروجان مذهبی و غیره. در قرن‌های نخستین، مسجد جامع یکی از نشانه‌های تمایز شهر از روستا محسوب می‌شد.^۶ در این دوره، مجتمع‌های جمعیتی و مسکونی که دارای مسجد جامع و منبر بودند با نام شهر شناخته می‌شدند. بعدها مسجد عمومیت پیدا کرد و در روستاها نیز احداث شد.

مسجد نماد شهر اسلامی

مسجد سمبل دین اسلام بود که در همه‌ی جنبه‌های زندگی مسلمین نفوذ کرده بود. همچنین، مسجد به لحاظ نقشی که در جامعه‌ی اسلامی در تجمع افراد و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مذهبی ایفا می‌کرد، اهمیت فراوانی یافت. پس از ورود اسلام، مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بود که به سبب مراجعه‌ی مستمر همه‌ی طبقات مردم شهر، مرکز آگاهی‌رسانی به مسلمانان به‌شمار می‌رفت. مسجد جامع بیشتر مرکز مذهبی محسوب می‌شد تا یک مرجع اجتماعی. اما شکل‌گیری افکار عمومی و جهت‌گیری اهداف مربوط به آینده در این مکان صورت گرفت.^۷ در مسجد، علاوه بر امور مذهبی، کارهای فرهنگی و تربیتی جامعه

^۵ .فاضل، محمود، مآذنه‌ها، مجله‌ی هنر و مردم: شماره‌های ۷۷ و ۷۸.

^۶ . اشرف، احمد، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، در نامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، تیرماه ۱۳۵۴.

^۷ . مشهدی‌زاده، ناصر، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۴: ص ۱۹۲.

نیز انجام می‌شد. به عبارت دیگر، قبل از تأسیس مدرسه‌هایی که به صورت مستقل به تدریس علوم در سطوح متوسطه و عالی پردازد، این نقش در جامعه‌ی اسلامی به عهده‌ی مسجد بود. برای شناخت سیمای داخلی و سیمای خارجی شهرهای اسلامی، می‌توان به نشانه‌هایی اشاره کرد که هم کاربردی شهری داشته‌اند و هم هدایت‌کننده‌ی مسیر مسافران به سوی مقصدشان بوده‌اند. مناره‌های مساجد در شهرهای اسلامی این نقش را به شایستگی ایفا می‌کردند. در شناخت سیمای داخلی شهرهای ایرانی - اسلامی، در درجه‌ی اول می‌توان به سردر مسجدها، خانه‌ها، آب‌انبارها و بازارها اشاره کرد. کاشی‌کاری‌ها، قوس‌های تزئینی و هنرمندی‌هایی که در ساختن گنبد مساجد به کار رفته است، ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه‌ی سیمای شهرها را به نمایش می‌گذارد.

مولفه‌های شهرهای اسلامی سنتی

سه عامل عمده در ساخت شهرهای اسلامی خود نمایی می‌کند:

۱- **ارگ و بارو:** ارگ مجموعه‌ای از ساختمان‌ها بوده است که تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای می‌داده، مقر سلطان یا حاکم بوده است. در مرکز شهر، بازار و مسجد جمعه قرار داشته که ارگ بر این دو مسلط بوده است.

۲- **مسجد جامع و فضاها:** مذهبی و آموزشی: یکی از عوامل سه‌گانه در شهرهای اسلامی مسجد جامع است. مسجد جامع، گاه مقر حکومت و پیونددهنده‌ی مذهب با حکومت بوده است؛ مانند مسجدهایی که دارالاماره بوده‌اند یا ارگ تبریز که به صورت مسجد ساخته ولی مدتی بعد مرکز حکومت شد.

تحولات مهم مسجد در شهر اسلامی را می‌توان در مراحل زیر مشاهده کرد:

در مرحله‌ی اول که مربوط به ابتدای ظهور اسلام می‌شود، مسجد صورتی ساده داشت. الگوی آن مسجدالنبی در مدینه است که محل استقرار دولت اسلامی بود. در شهرهای تسخیرشده، مسجد یا در مکان معابد قدیمی مستقر می‌گردد و یا بنائی ساده است که در کنار میدان اصلی شهر بر پا می‌گردد. در کنار «آگورا» یونانی، در کنار «فورم» رومی، در جوار «میدان» شار پارسی، همه جا در پر آمد و شدترین نقطه شهر برپا می‌گردد. در این مرحله، مسجد تنها دگرگونی عمده‌ای است که در سازمان فضائی - کالبدی شهر اسلامی شده رخ می‌نماید.^۸

^۸. حبیبی، سیدمحسن، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸: ص ۴۳.

در مرحله‌ی دوم، یعنی در عهد بنی‌امیه، مسجد و قدرت امپراتوری هم‌بستگی نزدیکی پیدا کردند. بین مسجد و دارالاماره فاصله‌ی اندکی بود و در بسیاری موارد از طریق ارتباطی سرپوشیده دو بنا به یکدیگر مرتبط می‌شدند.

در مرحله‌ی سوم، یعنی در زمان خلافت عباسیان و حین شکل‌گیری امپراتوری اسلامی، به تدریج مسجد و قدرت سیاسی حکومتی از یکدیگر جدا شدند و مسجد جامع، یعنی مکان اصلی اجتماعات مردمی، به کلی خود را از حکومت جدا می‌کند.^۹ در این دوره، مسجد از صورت ساده و بی‌پیرایه‌ی دوره‌ی اول و تاحدودی دوره‌ی دوم خارج می‌شود. در این زمان، هنوز شهر جایی است که مسجد جامع در آن احداث شده باشد و در هر مکانی تا زمانی که مسجد جامع نباشد، علی‌رغم انبوهی جمعیت و تمرکز فضائی مکان، شهر نامیده نمی‌شود.

در مرحله‌ی چهارم که از قرن ششم آغاز شد، در شکل و توزیع مسجدها دگرگونی‌های بنیادی داده شد. مسجد جامع و دیگر مسجدها، بیش از آنکه محلی برای عبادت باشند، مکانی جهت خودنمایی حکومت‌ها می‌گردند. ظاهر پرشکوه و معماری‌های به یادماندنی در ساخت مسجد نقش اساسی می‌یابند. به تبع این دگرگونی‌ها شهر نیز دچار تغییرات عمده می‌گردد. محلات بر مبنای جدائی قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و غیره بر پا می‌گردند و هر محله مسجد خاص خویش را دارد. تشکیل دولت اسلامی، آرمان‌های مذهبی از اهداف سیاسی، و تفکیک قومی و نژادی محله‌ها، سبب می‌گردد که ملاک تعیین شهر براساس داشتن مسجد جامع از بین برود. به بیان دیگر، در این دوره، هر شهر باید مسجد جامعی داشته باشد ولی هر جا که مسجد جامع داشت، مقام و موقع شهری پیدا نمی‌کند.^{۱۰}

ورود مسجد به بافت شهری ایران

مسجد مهم‌ترین بنای عمومی شهر دانسته می‌شود و در تفکر شهرسازی اسلامی، نقشی زیر بنایی دارد. گاه، مساجد در شهرها طراحی‌های دیگر را مشروط به موقعیت خود می‌کرده‌اند. اخذ این موقعیت مربوط به زمانی است که مساجد همراه با قسمت‌های دیگر شهر یا یک قسمت آن، طراحی و ساخته می‌شدند. مسجدهای ایران از نظر طریقه‌ی جایگزینی آن‌ها در بافت شهری، به دو رده‌ی بزرگ تقسیم می‌شوند:

- نخست مساجدی که شکل‌گیری آن‌ها در بستر کالبدی شهرها، به تدریج و در طی زمان، صورت گرفته است و تحت تأثیر عوامل مذهبی و اجتماعی، اقتصادی و شهرسازی تغییر شکل یافته است.

^۹ . یعقوبی، البلدان، ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی، سیمای بغداد.

^{۱۰} . قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تصحیح و تشحیه جلال‌الدین تهرانی، توسن، تهران، ۱۳۶۱.

- دوم مساجدی که با طرح قبلی و گسسته از بافت کالبدی مجاور ساخته شده‌اند.

مسجد جامع

مسجد جامع که مهم‌ترین نقطه‌ی شهر بوده است، جاذبه‌ی زیادی دارد؛ زیرا در فضایی متقابل با بازار قرار داشته است. گاه نیز مسجد جامع یا مسجدهای دیگر در خود بازار جای می‌گرفتند. اتصال به بدنه‌ی بازار به سبب دارا بودن قدرت مذهبی مسجد جامع بوده است؛ مانند تهران، اصفهان، تبریز، سمنان، قم و غیره. گاه، مسجد در محل تقاطع چند راسته‌ی بازار یا در امتداد مسیر بازار قرار داشته است. در شهرها، مسجدها بر چند دسته‌اند: مسجد جامع، مسجد متوسط، مساجد کوچکی که برای عبادت احداث شده بودند. مسجدها علاوه بر نقش مذهبی، اجتماعی و سیاسی، تا قبل از احداث مدارس، نقش آموزشی داشته‌اند. در مسجدهایی که مرکز آموزشی نیز بوده‌اند، از تعلیمات ابتدایی تا پیچیده‌ترین مسائل فلسفی تدریس می‌گردیده است.

۳- **بازارها:** بازارها در توسعه و گسترش شهر ایرانی - اسلامی نقشی مهم برعهده داشته‌اند؛ به نحوی که در شهرهای تازه‌ای که ساخته می‌شد، بازار ابتدا در ارتباط فضایی با مسجد جامع و مقر حکومتی بنا می‌شد. دو عامل بازار و مسجد همواره در فرهنگ شهرهای اسلامی، نقشی مهم داشتند؛ به طوری که هنگام احداث شهر اسلامی، محل حکومت، مسجد جامع و میدان مرکزی در کنار هم ساخته می‌شدند. بازار و میدان از عوامل مهم تشکیل دهنده‌ی مورفولوژی شهری به‌شمار می‌آمد.

سخن پایانی

به طور کلی، با توجه به جهان‌بینی حکومت اسلامی، کیفیت عمومی شهرسازی، از همان آغاز بر سه محور اصلی استوار است: مسجد، ساختمان حکومت و بازار. ساختمان مسجد برای برپاداشتن جمعی، مهم‌ترین وظیفه‌ی دینی، ادای نماز جماعت و نیز مکانی بود برای عبادت و اعمال مستحب.^{۱۱} به این ترتیب، مسجد در قالب نخستین پدیده‌ی جغرافیایی برخاسته از اندیشه‌ی اسلامی، به عنوان کانون عبادی - سیاسی، در سطح جهان گسترش یافت. مسجد با نقش‌های عمده‌ای که ایفا کرد، خمیرمایه‌ی تغییرات نهادی در ساختار اجتماع و اصول اداری - سیاسی، در سرزمین‌های اسلامی، گردید.

مسجد فقط فضائی ویژه برای عبادت نبوده است بلکه علاوه بر جلسه‌های وعظ و ارشاد مسلمانان، مجالس درس و بحث نیز در آن تشکیل می‌شده است. حتی پس از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری که مدرسه پدید آمد. علاوه بر این، اغلب مسجدها سنگر مبارزه‌ی اجتماعی مردم علیه حاکمان ظالم بوده‌اند.

^{۱۱}. مؤمنی، مصطفی، نظری بر شهرشناسی جغرافیایی شهرهای ایرانی - اسلامی، نمایه‌ی پژوهش شماره‌ی ۹ و ۱۰، ۱۳۷۷: ص ۳۷.

افزایش جمعیت شهرها و تغییرات ویژگی‌های اجتماعی آن‌ها در طول تاریخ به تدریج باعث افزایش تعداد مسجدها در تمام شهرها شد؛ به طوری که امروز اکثر شهرها مساجد متعددی دارند. در حال حاضر، بیش از پانزده هزار مسجد در شهرهای ایران وجود دارد.^{۱۲} در پنجاه سال گذشته، نگرش‌های سیاسی و پویایی فرهنگ‌ها و نیز فن‌آوری جدید، در برنامه‌ریزی شهری کشورهای اسلامی مؤثر بوده است اما در بیشتر موارد، برنامه‌ریزی و نوسازی شهرها تحت تأثیر فرهنگ غربی و چهره‌ی شهرهای اسلامی را عوض کرده است. در حالی که برخی از کارشناسان اروپایی معتقدند که در سال‌های آینده، مناسب‌ترین طرح برای شهرهای اسلامی همان طرحی است که از قرن‌ها پیش وجود دارد.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد

^{۱۲}. نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۷: ص ۲۶.